

## نقش دبیر کل سازمان ملل متحد

خاطراتی از دوران خدمت در سازمان ملل متحد و بررسی شخصیت و توانایی دبیران کلی که این سازمان تا کنون بخود دیده است ،

با آغاز کار بیست و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد قریب سه سال از فعالیت آقای کورت والدهایم در سمت دبیر کل سازمان ملل متحد میگذرد و گزارش بسیار مهم و جالبی که وی درباره وضع عمومی جهان و وظایف سازمان ملل متحد به این اجلاس به تقدیم کرده ، نقش دبیران کل سازمان ملل متحد و بالخصوص دبیر کل فعلی سازمان را در حل مسائل و مشکلات جهانی مورد توجه و بحث محافل بین المللی قرار داده است .

بموجب ماده ۹۷ منشور ملل متحد ، دبیر کل سازمان که هر پنج سال یکبار تعیین میشود در رأس دبیرخانه سازمان قرار دارد که یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد میباشد ، راست است که تمهیمات و توصیههای لازم توسط پنج رکن اصلی دیگر یعنی مجمع عمومی ، شورای امنیت ، شورای اقتصادی و اجتماعی ، شورای قیمومت و دیوان بین المللی دادگستری اتخاذ می شود ، با وجود این دبیرخانه سازمان ملل متحد نیز اهمیت خاصی را دارا است زیرا دبیرخانه است که در عمل رکن دائمی این دستگاه جهانی را تشکیل می دهد و کارمندان دبیرخانه که در رأس آنان شخص دبیر کل قرار گرفته است با فعالیت مداوم خود وظایف مهمی ایفاء می نمایند

دبیر کل سازمان ملل متحد گذشته از اینکه اموراداری سازمان ملل متحد تحت نظر وی انجام می گیرد بموجب ماده ۹۹ منشور میتواند هر مسئله ای را که به نظری صلاح و امنیت بین المللی را تهدید میکند در شورای امنیت مطرح نماید و در اجرای وظایف خود دستوری از هیچ دولتی نمی پذیرد و اقدام به هیچ عمل نمی نماید که با مسئولیت وی در مقابل سازمان ملل متحد مغایرت داشته باشد .

در منشور ملل متحد تنها ماده ای که گذشته از وظایف اداری تکالیف سیاسی بر ای دبیر کل پیش بینی نموده است همین ماده ۹۹ می باشد . مع الوصف در عمل شخصیت هایی که سمت دبیر کلی ملل متحد را داشته اند وظایف سیاسی خود را بطور وسیعی تفسیر نموده اند و با اقداماتی مبادرت

کرده اند که هر چند درمنشور ملل متحد صریحاً پیش‌بینی نشده است ضرورت و مقتضیات زمان توسل به این قبیل اقدامات را توجیه کرده است.

عده‌ای بر این عقیده‌اند در صورتیکه در انتخاب‌نخستین دبیر کل دقت بیشتری شود بطوریکه بتوان صلاحیتدارترین شخصیت جهانی را بدین سمت برگزید وی می‌تواند در تحولات این دستگاه بین‌المللی و حتی رویدادهای جهانی اثر بسیار بگذارد به عبارت دیگر برای شخصیت دبیر کل اثر مطلقاً قائلند - پاره‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که توانائی افراد در مقابل رویدادهای جهانی بمثابة پرکاهی بیشتر نیست که تحت تاثیر امواج خروشان اقیانوس حوادث قرار می‌گیرد. به عقیده نگارنده حقیقت را باید در تفریق این دو نظر جستجو نمود. ناهمیت شخصیت را در مشاغل مهم جهانی می‌توان انکار نمود و نقش تعیین‌کننده حوادث و رویدادها را می‌توان منکر شد.

تحولاتی که پیرامون نقش دبیر کل در جامعه مللی که پس از نخستین جنگ جهانی تشکیل شد رویداد واضعین منشور ملل متحد کنونی را واداشت که برای این مهمترین مرجع جهانی هم نقش عالیترین مقام اداری بین‌المللی را قائل شود و هم ایفای نقش سیاسی را بشناسد.

جامعه ملل دو دبیر کل را بخود دیده است اولی آقای دروماند Drummond انگلیسی که وظایف خود را بی‌سر صدا و پشت پرده انجام می‌داد و حتی المقدور موضع سیاسی اتخاذ نمی‌نمود. با پایان دوره مأموریت وی آقای آونل (Mr. Avenol) فرانسوی بدین سمت برگزیده شد که از ابراز عقاید سیاسی خود اباہ نداشت و در امور سیاسی نظرات خود را آشکارا ابراز می‌داشت. در جریان تدوین طرح مقدماتی منشور سازمان ملل، این نظر مورد توجه واقع گردید که دبیر کل سازمان در عین حال که از لحاظ اداری ریاست دستگاه دبیرخانه را دارد، در مواردی نیز باید بتواند با ابتکار خود به اقداماتی در جهت تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی دست زند.

### مشکلات اولین دبیر کل سازمان ملل متحد

در سال ۱۹۴۶ آقای تریگولی (Mr. Trygve Lie) که سمت وزارت کار را در دولت نروژ داشت به دبیر کلی ملل متحد برگزیده شد. بدیهی است که انجام وظایف دبیر کل در پدید آمدن امر کار آسانی نبود و میبایستی دستگاه اداری دبیرخانه‌ای را بوجود آورد که بتواند وظایف خطیر خود را انجام دهد بلاوه هنگام تدوین منشور ملل متحد تصور میشد که تفاهم موجود بین پنج کشور دائم عضو شورای امنیت بقراری یک طی دوران جنگ دوم برقرار بود باقی خواهد ماند. اما دیری نپایید که نه تنها این تفاهم متزلزل شد بلکه دوران جنگ سرد آغاز گردید و مناسبات بین کشورهای غرب و شرق روبه تیرگی گذاشت. موضوع چحران برلن، مسئله آذربایجان، بوجود آمدن کشور اسرائیل، رویدادهای آسیای جنوب خاوری بروز جنگ کره، بیش از پیش دبیر کل را در انجام وظایف خود دچار اشکال می‌کرد و تریگولی که در بادی امر از پشتیبانی دولت شوروی بهره‌مند بود، حمایت آن دولت را از دست داد.

آغاز دوران «ماکارتیزم» در ایالات متحده آمریکا دبیر کل را با مشکل جدیدی روبرو نمود. موضوع این بود که کارمندان دبیرخانه باید در انجام وظایف خود مستقل باشند تا بتوانند خود را کاملاً وقف مصالح بین‌المللی نمایند در عین حال این نکته توسط پاره‌ای از کشورها عنوان گردید که صلاحیت اخلاقی کارمند بین‌المللی را در صورتیکه نسبت به دولت متبوع خود کاملاً وفادار نباشند بایست مورد تردید قرار داد این موضوع را ایالات متحده آمریکا عنوان نمود از آنجائیکه مقر اصلی سازمان ملل متحد در نیویورک قرار دارد، همچنین با توجه باینکه در مقایسه با سایر کشورها عده زیادتری از اتباع کشور آمریکا در دبیرخانه عضویت داشتند، به‌لاوه آن دولت سهم بیشتری از هزینه‌های این دستگاه جهانی را بر عهده گرفته بود و با توجه بقدرت ایالات متحده آمریکا نظر آندولت نمی‌توانست در تحولات بعدی این سازمان نادیده گرفته شود؛ نظر ایالات متحده آمریکا در آن موقع این بود که آمریکا باینکه در دبیرخانه ملل متحد حائز شغلی می‌باشند، در صورتیکه به مرام کمونیسم عقیده‌مند بوده و یا با حزب کمونیست وابستگی داشته باشند نمیتوانند بکار خود ادامه دهند و در توجه نظریه خود متذکر میشدند منظور این نیست که آمریکایی‌هایی که کارمند دبیرخانه سازمان ملل متحد می‌باشند در جهت منافع دولت آمریکا قدم بردارند بلکه آنان نباید در جهت منافع کشورهایی عمل کنند که با ایالات متحده آمریکا روابط دوستانه ندارند - هر چند اساس این نظر مورد قبول روسای دبیرخانه سازمان ملل متحد قرار گرفته است ولی در سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ با نفوذ ماکارتیزم در آن کشور و تشدید مبارزه با کمونیسم توقعات آمریکا از سازمان ملل از این حد فراتر رفت.

تحقیقاتی که از طرف هیئت منصفه فدرال و مجلس نمایندگان آمریکا صورت گرفت منتهی باین نتیجه شد که تقریباً یکمدم از اتباع آندولت که در دبیرخانه سازمان ملل متحد کار میکردند یا سابقاً عضو حزب کمونیست بوده و یا در مقابل این سؤال که آیا با حزب کمونیست بستگی دارند یا استفاده از حق قانونی خود سکوت اختیار نموده‌اند و ایالات متحده آمریکا تقاضای برکناری آنان را داشت و حال آنکه بر علیه هیچیک از آنان ادعای نامه‌ای تنظیم نشده بود و اتهام خاصی هم به آنها تعلق نمی‌گرفت. مع الوصف تحت تاثیر تبلیغات ناروای آن روز این طور وانمود می‌شد که در سازمان ملل متحد تعداد زیادی از اتباع آمریکا که از طریق وفای داری نسبت به آن دولت منحرف شده‌اند رخنه کرده‌اند و آن دولت از دبیر کل خواست که این قبیل کارمندان را برکنار نماید.

دبیر کل در عین حال که برای حفظ استقلال خود در انجام وظایف خویش با فشاری می‌نمود، ناچار گردید روشی اتخاذ کند که اعتماد از دست‌رفته ایالات متحده آمریکا را باز یابد و از این رو عده‌ای از کارمندان آمریکایی دبیرخانه را که از پاسخ‌دادن به هیئت منصفه در مقابل این سؤال که آیا در حزب کمونیست عضویت داشته و یا وابستگی دیگری با آن حزب داشته‌اند سکوت نمودند معلق کرد و یا بخدمت آنان خاتمه داد. این اقدام دبیر کل کارمندان دبیرخانه را ناراضی نمود. آنان انتظار داشتند که تریگوبلی در مقابل دولت آمریکا مقاومت بیشتری از خود نشان دهد و به آن دولت اجازه ندهد که در امور مربوط به استخفاف در سازمان ملل متحد عقاید و سیاستی کارمندان آن مداخله کند.

دادگاه، اداری ملل متحد که در آن موقع نگارنده نیز عضویت آن را داشت به شکایات این قبیل کارمندان رسیدگی کرد و در غالب موارد اقدام دبیر کل را محکوم نمود و رای به غرامات قابل توجهی به نفع کارمندان برکنار شده داد.

در حال مخالفت دولت شوروی ناشی از موضوع دبیر کل در مورد جنک کره از طرفی و عدم رضایت کارمندان دبیرخانه به مناسبت اقدامات اخیر وی موجب شد که وی ناچار در سال ۱۹۵۳ از کار خود کناره گیری کند.

### از هم رشولد تا او تانگ

پس از استعفای نخستین دبیر کل سازمان ملل متحد این فکر پیدا شد که باید دنبال شخصیتی رفت که هم در امر مدیریت تجربه کافی داشته باشد و هم بتواند وظایف سیاسی خود را بدون سروصد ایفا نماید و مسئله خاصی هم از لحاظ عقاید ایدئولوژی و سیاسی خود نداشته باشد. دولت انگلستان «داک همرشولد» سوئدی را برای این منظور پیشنهاد نمود.

انتخاب وی مورد تأیید اعضای دائمی شورای امنیت قرار گرفت. همرشولد سعی نمود در مرحله اول روحیه کارمندان دبیرخانه را تقویت کند، برای بهبودی وضع آنان اقدام نمود و در جهت جلوگیری از نفوذ مقامات دولت آمریکا در دبیرخانه ورود مأمورین اف-بی-آی را که بیثباتی در داخل ساختمان سازمان ملل متحد رخنه کرده بودند ممنوع نمود.

همرشولد در سال ۱۹۵۵ برای آزادی خلیانان آمریکایی که در دوران جنک کره بدست چینیها اسیر شده بودند اقدام نمود و بدین منظور شخصاً به پکن عزیمت کرد و موجبات آزادی آنان را فراهم نمود و بدین ترتیب نشان داد که وی در مذاکره و توافق جوئی بسیار زبردست می باشد. در سال ۱۹۵۵ موجبات تشکیل کنفرانس ژنو را در باره استفاده از اتم برای مقاصد صلح آمیز فراهم نمود، به علاوه موفق شد با اقدامات خود موانعی را که در راه قبول کشورهای جدید به عضویت سازمان ملل متحد وجود داشت مرتفع کند - بدین ترتیب عضویت ۱۶ کشور در سازمان ملل متحد مورد تأیید شورای امنیت و مجمع عمومی قرار گرفت در سال ۱۹۵۶ هنگامیکه بحران کانال سوئز روی داد وی در قبال نظرات کشورهای غربی از يك سو و کشور شوروی از سوی دیگر نظر میانه روی را در پیش گرفت و نگارنده را که در آن موقع نمایندگی ایران را در شورای امنیت داشتم در تسلیم پیشنهادات اصلاحی (کدر) جهت سازش بین نظرهای کشورهای غربی و موضع دولت شوروی اراده شده بود) نسبت به طرح قسطنطنیه های کشورهای عربی تشویق نمود.

نقش مهمی که همرشولد در زمینه بحران کانال سوئز ایفا کرد موجب شد که بر مونیته و نفوذ منوی وی بیش از پیش افزوده شود و شورای امنیت در غالب موارد بوی مأموریت میداد که مسأله را راساً بررسی کند و یا اقداماتی را بعمل آورد و نتیجه را بشوری گزارش نماید.

این رویه با طرز فکرها همرشولد تطبیق میکرد. وی معتقد بود که در مقررات منشور خلائی وجود دارد که خواه ناخواه شورای امنیت را با بن بست روبرو میکند و بر دبیر کل است که در این موارد راه گشایی کند و ابتکار امر را در جهت استقرار صلح و امنیت بین المللی

در دست گیرد . این طرز تفکر ممکن است به تحقق بخشیدن هدف‌های منشور کمک کند بشرط آنکه کشورهای عضو دائم شورای امنیت مخالفت خاصی با طرز عمل دبیر کل نداشته باشند ولی هر گاه اقدام وی با مخالفت روبرو گشته و اعتماد یکی از ابر قدرتها نسبت به وی سلب میشد آنوقت معلوم نبود که تا چه حدودی میتواند در کار خود توفیق یابد کما اینکه در مورد بحران کنکو دولت شوروی اقدامات وی را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و حتی پیشنهاد نمود که اختیارات دبیر کل به سه نفر واگذار شود (تروییکا) بتدریج اعتماد دولتمن فرانس و انگلستان هم از وی سلب شد و سقوط هواپیمای حامل دبیر کل در افریقا در راه عزیمت بکنگو بدوران حیات وی و باین ماجرای سهمگین خاتمه داد . در این شرایط قرعه جانشینی وی بنام اوتانت نماینده دائم برمه در سازمان ملل متحد افتاد . در این موقع جنگ سرد باوج شدت خود رسیده بود و دبیر کل جدید سعی نمود با بذل مساعی جمیله و دیپلماسی آرام با پشتیبانی شورای امنیت به انجام وظایف دشوار خود مبادرت کند .

بحران کوبا، بحران قبرس، ادامه بحران برلن، شروع تصادمات مسلحانه در ویتنام، شدت مبارزه‌های ضد استعماری و ورود کشورهای جدید در سازمان ملل متحد، تشدید تیرگی روابط بین دولتمن هند و پاکستان تشدید سیاست تبعیض نژادی «آپارتاید» در افریقای جنوبی و ادامه بحران خاورمیانه که منتهی به جنگ ۱۹۶۷ گردید - اینها همه معضلاتی بود که وی را پیش از پیش فرسوده و خسته میکرد، بطوریکه در سال ۱۹۷۱ عنوان نمود که وظایف وی با سنگینی بدش دبیر کل تحمیل میکند و انجام آن برای یک فرد غیر قابل تحمل است و شاید احتیاج باشد که قائم مقامی هم برای دبیر کل در نظر گرفته شود که قسمتی از امور با همکاری وی راساً انجام شود .

### مسائل و مشکلات جدید سازمان ملل

در این هنگام سازمان ملل با یک سلسله مسائل و مشکلات تازه مواجه گردید : تعداد کشورهای عضو سازمان روزی روزگاری گزاردده بود که خود مسائلی را بوجود میآورد . موضوع استقرار نیروهای حافظ صلح در پاره‌ای از نقاط جهان که هنگام تدوین منشور ملل متحد اساساً پیش بینی نمیشد این دستگاه جهانی را با دشواریهایی روبرو کرد . درگیری دولتمن هند و پاکستان و بوجود آمدن کشور بنگلادش نیز معضلات تازه‌ای را بوجود آورد - بزرگترین امری که اوتانت را ارضاء میکرد این بود که توانسته است در اثر مساعی مداوم خود موجبات قبول نمایندگی جمهوری خلق چین را در سازمان ملل متحد فراهم کند .

پاره‌ای عقیده دارند که اوتانت در عین حال که مرد بسیار با حسن نیتی است ، حائز کلیه صفات بارزی که برای عهده‌دار شدن بالاترین مقام بین المللی ضروری بنظر میرسد نبود . در هر حال این را نمیتوان انکار کرد که وی از جانب اعتدال بهیچوجه و در هیچ هنگام خارج نشد و در هیچ مورد مواجه با مخالفت شدید نگردید و طی مدت دبیر کلی خود همواره از اعتماد کلیه کشورها ، خاصه کشورهای عضو دائم شورای امنیت برخوردار بوده است ، هر چند که نظرات او درباره جنگ ویتنام مورد پسند مقامات امریکائی نبود ، نکته دیگری



که در دوران دبیر کلی وی بچشم میخورد این بود که وی در جزئیات وظایف همکاران نزدیک خود که اعتماد وی را جلب کرده بودند مداخله نمیکرد و بدین ترتیب سنتی در دوران دبیر کلی وی بوجود آمده که در دوام و تحکیم میانی سازمان ملل متحد اثر گذاشت. بی‌مناسبت نیست بطور مثال یادآوری کنم هنگامیکه نگارنده با مقام معاونت دبیر کل بنا بر انتخاب اوتانت و موافقت دولتی اندونزی و هلند عهده‌دار اداره امور ایران غربی گردیدم، وی خواست که اصول طرز اداره این سرزمین را روی کاغذ آورم تا به امضای دبیر کل برسد و سپس دست مرا در اداره این سرزمین آزاد گذاشت. البته وی را مرتباً در جریان امور می‌گذاشتم رویدادهای مهم و تصمیمات فوری را از طریق تلگرام و همچنین گزارشهای تفصیلی ماهیانه برای اطلاع دبیر کل می‌فرستادم وی همواره خط مشی و اقدامات نگارنده را در اداره این سرزمین مورد حمایت و پشتیبانی قرار میداد و بهیچ وجه در جزئیات امور مداخله نمی‌نمود و در عین حال بدون تظاهر و سروصدا هر گونه اقدامی را که برای تفاهم بین‌المللی لازم میدانست معمول میداشت. کما اینکه قبل از حرکت نگارنده از نیویورک بطرف اندونزی وی مرا مامور نمود که به‌لامه بروم و موجبات تجدید مناسبات سیاسی بین دولتی هلند و اندونزی را فراهم کنم. اقداماتی در راه و جا کار تا در این زمینه با موفقیت انجام پذیرفت بطوریکه چندماه از وقوع تصادم مسلحانه بین دو کشور گذشته بود که تجدید مناسبات سیاسی بین آن دو تحقق پذیرفت در اینجا این نکته را باید یادآوری کنم که هر شوالد گاهی در جهت مخالف این رویه عمل میکرد. هنگامیکه بین سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ نظارت در امر نظر خواهی عمومی (Plebicite) را در کامرون داشتم با وجود اینکه مننخبه جمع عمومی بودم، دبیر کل گاهی بطور غیر مستقیم در کیفیت اجرای ماموریت نگارنده مداخله میکرد و ناگزیر تصادمهای دوستانه‌ای بین ما روی میداد.

در هر حال ایفای وظایف سنگین دبیر کل کار آسانی نیست. از یکسو هیچکس تردید ندارد که هر گاه صلح و امنیت بین‌المللی در معرض تهدید قرار گرفت و شورای امنیت به بن‌بست برخورد دبیر کل نباید سکت بنشیند و باید ابتکار امور را در دست گیرد و بفکر چاره‌گشایی افتد از سوی دیگر دبیر کل نمیتواند باین بروائی در انجام وظایف خود راساً اقدام کند باید جانب احتیاط را از دست ندهد تا از اعتماد کلیه کشورهای بویژه کشورهای عضو دائمی شورای امنیت برخوردار باشد.

### نقش دبیر کل جدید سازمان ملل متحد

طی دوران دبیر کلی کورت والدهایم که پس از اوتانت بدین سمت برگزیده شد جهان با مسائل تازه‌ای روبرو شده است. موضوع بهای مواد خام و توسعه، فقدان مواد کافی غذایی، سلامت محیط زیست، مسئله جمعیت، مقررات مربوط به حقوق دریا، تجدید جنگه بین اعراب و اسرائیل و لزوم استقرار صلح در این منطقه، برخورد نظامی در قبرس اینها مسائلی است که مسئولیتهای سنگینی را بر دوش دبیر کل می‌گذارد. هر چند هنوز مدت زیادی از تصدی والدهایم نمی‌گذرد تا بتوان در باره وی قضاوت قطعی نمود ولی در همین مدت کوتاه حسن نیت و تحریک خود را در این موارد نشان داده است. کما اینکه قبل از وقوع جنگه

اکتبر در خاورمیانه بموقع اعلام خطر نمود منتها به همداروی توجهی نشد و همچنین نقش بزرگی را در برگزاری ششمین دوره مجمع عمومی خاص ایفاء نمود. اصولی را که برای دوز و شدن با بحران مواد خام و توسعه متذکر شد و اقداماتیرا که هم اکنون درجهت پیشبرد هدفهای صندوق عمران مینماید حاکی از وقوف وی بر مسئولیت‌های خطیر خود میباشد.

باضافه در طی چند سال تصدی او، سازمان ملل متحد بتدریج مقبولیت بیشتری نزد کشورهای عضو پیدا نموده و حتی در مواقیکه اقداماتی از طریق دوجانبه یا خارج از سازمان ملل متحد درجهت استقرار صلح میشود خواه ناخواه این دستگاه جهانی را نیز مداخله میدهند. زیرا باین حقیقت توجه شده است که در جهان کنونی که همبستگی بین ملل روزافزون است، برای پیشبرد صلح و امنیت بین‌المللی و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سرانجام تامین رفاه جامعه جهانی راه دیگری جز توسعه همکاری بین‌المللی نیست، قصد نگارنده این نیست که از دیپلماسی دوجانبه سرف نظر شود و در تمام موارد سازمان ملل نقش اصلی را ایفا کند ممکن است اقدام دوجانبه در مواردی بیشتر مقرون بموقیبت باشد کما اینکه در بحران خاورمیانه مساعی جمیله آقای کیسینجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا را در برقراری آتش‌بس و جداسازی نیروهای متخاصم نمیتوان نادیده گرفت و نیز نقش شoudای امنیت و نیروهای حافظ صلح و شخص دبیرکل را در تنظیم اجرای قرار دادهای جداسازی بامصر و سوریه نمیتوان از نظر دور داشت.

دبیر کل در گزارش سالیانه اخیر خود به مجمع عمومی توصیه میکند اگر حرکت پیشین بسوی صلح ادامه داده نشود طولی نخواهد کشید که باردیگر خشونت با همه عواقب ترسناک آن بروز خواهد کرد. والد هابیم اضافه نموده که قراردادهای جدا سازی نیروها منقذ بین اسرائیل از طرفی و مصر و سوریه از طرف دیگر تنها گامهاییست که فقط فرصت کوتاهی را بوجود آورده است تا برای حل و فیصله دادن مسائل اصلی ناشی از اختلاف بین اعراب و اسرائیل اقدام شود. وی متذکر شده که این قراردادهای بسیارست و شکستنی است و میگوید پیروزی ظاهری برای حفظ صلح که تاکنون نصیب سازمان ملل شده است نباید موجب شود که حل و فصل قطعی اختلافات موجود را کنار بگذاریم و بطور مثال بحریان غم انگیز وضع خاص قبرس اشاره میکنند. وی میگوید مسئله اصلی برای سازمان ملل و کشورهای عضو این است که آیا اراده سیاسی و کوششهای لازم را میتوان پیش از آنکه مسائلی که ما با آنها دوبرو هستیم غیر قابل حل شود بموقع بکار گرفت.

### نتیجه

از پایان جنگ دوم جهانی جامعه بین‌المللی گاهگاهی با مشکلاتی مواجه شده است که شoudای امنیت و مجمع عمومی هم نتوانسته است در راه استقرار صلح و امنیت بین‌المللی گام موثری بردارد. مساعی جمیله دبیرکل در اینگونه موارد درجهت ادامه تماس بین متخصصین و یا ادامه مذاکرات سیاسی مفید فایده واقع شده و زمانی مانع از بروز تصادمات مسلحانه گردیده و گاهی موجدات سازش را بین نظرات مغایر فراهم نموده است. با توجه به اطلاق ماده ۳۳ منشور ملل متحد پیرامون تصفیه مسالمت آمیز اختلافات میتوان اقدام دبیرکل را در

اینگونه موارد کاملاً توجیه نمود و کشورهای عضو در این معنا متفقند که دبیر کل باید بتواند در اجرای وسیع وظایف سیاسی خود اختیارات کافی داشته باشد، بادلتهای ذینفع مذاکره کند، بسایر وسایل دیپلماسی متوسل شود تا بتواند مسئولیت خود را بعنوان امانتدار مصالح منافع جامعه جهانی ایفا نماید.

بنابر آنچه که گفته شد عالیترین مقام اجرایی سازمان ملل متحد یعنی دبیر کل تنها مجری توصیه ها و تصمیمات ارکان دیگر نیست بلکه گاهی با توجه به ضرورت مقتضیات جهانی مسئولیتهائی را که سازمان ملل در جهت استقرار صلح و امنیت بین المللی برعهده دارد با همکاری ارکان دیگر انجام میدهد. مداخله دبیر کل در جهت استقرار صلح و امنیت بین المللی این قایده را هم دارد که نشانگر این معناست که حل و فصل اختلافات در جهت مصالح جامعه جهانی انجام میپذیرد و از آنجائیکه اقدامات دبیر کل بدون سرودها و از طریق آنچه که بنام دیپلماسی آرام، شناخته شده انجام میشود گاهی نیل به نتیجه مثبت را تسهیل نموده است زیرا اغلب مذاکرات علنی در شورای امنیت یا مجمع عمومی اصحاب اختلاف را وادار میکند که در موضع خود یا توجه به افکار عمومی کشورهای عضو یا فشاری نمایند و این خود نه تنها به حل مسالمت آمیز اختلاف کمک نمی نماید بلکه موانع بسیاری در راه صلح بر میانگیزد. با این ترتیب میتوان با قاطعیت گفت که در شرایط کنونی اوضاع و احوال جهانی گسترش نقش دبیر کل به تحریک و توفیق این دستگاه جهانی خواهد افزود و آنرا برای روبرو شدن با مشکلات فردا که حتماً پیچیده تر از مضلات امروز است آماده خواهد کرد.

باید بخاطر داشت اوضاع و احوال جهان امروز با ۲۹ سال پیش که منشور ملل متحد تدوین گردید کاملاً متفاوت است. امروز جهان با مسائل بسیار پیچیده روبرو است و باید متعقدان منشور را با مقتضیات روز تطبیق داد.

گسترش وظایف دبیر کل بویژه توسعه مسئولیتهای سیاسی وی بشرط اینکه مورد تأیید تلویحی اکثریت تام کشورها باشد در تحکیم مبانی صلح و امنیت بین المللی اثر بسزایی داشته و راه را برای تقاضای بیشتر همکاری روز افزون بین ملل هموار خواهد نمود. در این تأیید علاوه بر تأییری که آرای اعضاء دائم شورای امنیت خواهد داشت نظر جهان سوم نیز که اکنون اکثریت مطلق اعضای سازمان ملل را تشکیل میدهند و دنبال نقش جهانی بیشتری میروند پیش از پیش موثر میباشد.